

شناسایی و اجرای آرای خارجی مرتبط با حقوق مالکیت فکری

مصطفی فضاالی *

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

مهسا تدین سعدی

کارشناس ارشد مالکیت فکری از دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۷)

چکیده

امروزه، حقوق مالکیت فکری با ارزش تجاری منحصر به فرد خود، نبض اقتصاد بین‌المللی به‌شمار می‌رود و گسترش معاملات مرتبط با این اموال، زمینه بروز دعاوی مرتبط با نظام مالکیت فکری را افزایش داده که حل و فصل آنها نوعاً با صدور رأی در مراجع قضایی و دوری میسر می‌شود. گاه لازم می‌آید رأی صادره، خارج از کشور محل دادگاه صادرکننده به اجرا درآید که این امر منوط به شناسایی و دستور اجرای رأی مزبور در کشور خارجی خواهد بود. خصوصیات حقوق مالکیت فکری مستلزم ملاحظات ویژه‌ای در مقررات شناسایی و اجرای آرای خارجی است، به‌طوری‌که برخی اسناد نمونه بین‌المللی مانند اصول ماکس پلانک و اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، به تنظیم مقررات متحدالشکل نمونه‌ای متناسب با مختصات نظام بین‌المللی حقوق مالکیت فکری پرداخته و از جمله کوشیده‌اند با توسعه اصول مناسب و تسهیل‌کننده شناسایی و اجرای آرا، موجبات حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری را در عرصه بین‌المللی فراهم سازند؛ اما این موضوع در برخی کشورها مانند ایران با چالش‌هایی مواجه بوده و نیازمند بررسی و ارائه راه‌حل‌های ممکن و مناسب است. راه‌حل اصولی در این زمینه تعدیل قوانین داخلی با بهره‌گیری از الگوی کنوانسیون‌ها و اسناد نمونه بین‌المللی و در راستای سیاست حمایتی با ملاحظه مصالح عمومی کشور خواهد بود.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری، رأی خارجی، شناسایی و اجرا.

۱. مقدمه

امروزه بسیاری از فعالیت‌های تجاری و اقتصادی محدود به بازار داخلی کشورها نیستند، بلکه با عبور از مرزهای سرزمینی بازارهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی را درنوردیده‌اند. مالکیت‌های فکری نیز با وجود ماهیت سرزمینی خود، به دلیل ارزش تجاری منحصر به فردشان، محور عمده فعالیت‌های اقتصادی پرسود شده و در میان متقاضیان بین‌المللی خود دادوستد می‌شوند. حجم بالای ارتباطات بازرگانی، صنعتی و اقتصادی مرتبط با آثار فکری میان اشخاص در سراسر جهان، احتمال بروز اختلاف مربوط به مالکیت‌های فکری یا نقض حقوق انحصاری مالکان آثار فکری و در نهایت طرح دعاوی مرتبط با حقوق مالکیت فکری را افزایش می‌دهد که حل و فصل آنها نوعاً با صدور رأی در دادگاه یا مراجع داوری میسر می‌شود. در مواردی که قضایا به بیش از یک کشور ارتباط دارد و جنبه فراملی یا بین‌المللی پیدا می‌کند، گاه لازم می‌آید که رأی صادره در کشور دیگری، خارج از کشور محل دادگاه صادرکننده آن به مرحله اجرا درآید. گاه نیز ممکن است رأیی به صورت داخلی صادر شود و هیچ عنصر خارجی در دعوا در مرحله رسیدگی وجود نداشته باشد، اما شناسایی و اجرای آن در خارج از کشور محل صدور، مثلاً به دلیل وقوع اموال محکوم‌علیه در خارج، خواسته شود. این در حالی است که به علت استقلال و برابری صلاحیت قضایی دولت‌ها که برآمده از حاکمیت برابر آنهاست، آثار اجرایی یک رأی اصولاً و اغلب محدود به قلمرو حاکمیت سرزمینی کشوری می‌شود که دادگاهش صادرکننده آن رأی بوده است، زیرا صلاحیت‌های حاکمیتی هر کشوری اعم از قضایی، اجرایی و تقنینی اصولاً محدود به قلمرو سرزمینی تحت حاکمیت آن کشور است. بنابراین، برای آنکه رأی صادره در کشور دیگر قابلیت اجرا داشته باشد، باید در پی رسیدگی شکلی در دادگاه کشور محل اجرا شناسایی شود تا به مثابه یک رأی متعلق به کشور مقر این دادگاه، آثار نوعی خود را به بار آورد. اصولاً، شناسایی و اجرای آرا و احکام خارجی بر مبنای قاعده نزاکت بین‌المللی و نظریه تعهد قانونی یا حق مکتسبه صورت می‌گیرد (Chullakesa, 2012: 2)، در این صورت شخص ذی‌نفع بی‌نیاز از اقامه دعوی مجدد در کشور جدید است و از حقی که در نظام قضایی کشور دیگری به دست آمده است، حمایت خواهد شد. همچنین حجم کار قضایی محاکم کشور محل اجرا نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین هم مصالح اشخاص خصوصی و هم مصلحت عمومی دولت، اصل شناسایی و اجرای احکام خارجی را توجیه می‌کند و به طور خاص توسعه و تأمین اصول و شرایط مناسب در حوزه شناسایی و اجرای آرای خارجی برای حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری در عرصه بین‌المللی، به خصوص به سبب اصل اعتبار امر مختومه اهمیت و ضرورت بسیاری می‌یابد (P. Barnett, 2001: 4-5). از همین روست که چهار سند تهیه شده در سطح بین‌المللی در زمینه ابعاد

فراملی و بین‌الملل حقوق مالکیت فکری، با جمع مقتضیات خاص حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق مالکیت فکری، مقررات جامعی را در خصوص شناسایی و اجرای آرای خارجی در زمینه دعوی حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی کرده‌اند. این چهار سند عبارت‌اند از: مجموعه اصول ماکس پلانک اروپایی^۱، اصول مؤسسه حقوقی آمریکا^۲، طرح شفافیت^۳ و اصول حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه مالکیت‌های فکری (طرح مشترک ژاپن و کره)^۴. این در حالی است که در حقوق ایران تنها می‌توان به مقررات عام فصل هشتم قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۹۷۲ قانون مدنی استناد کرد که دست‌کم در شرایط کنونی و با توجه به گسترش شگرف حقوق مالکیت‌های فکری در دهه‌های اخیر، پاسخگوی برخی خصوصیات و پیچیدگی‌های این حوزه نخواهد بود. شاید همین غفلت در حوزه قانونگذاری سبب بی‌اعتنایی به موضوع در آثار پژوهشی حقوقی نیز شده است، به طوری که مطالعات تخصصی چندانی در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی مربوط به مالکیت‌های فکری صورت نگرفته، جز مقاله‌ای از ام. جی. درینسن که در مارس ۲۰۰۱ به‌عنوان سمیناری در دوره کارشناسی‌ارشد حقوق در دانشگاه کلمبیا ارائه و در سال ۱۳۸۲ به فارسی ترجمه شد که بیشتر به موضوع صلاحیت قضایی پرداخته است تا شناسایی و اجرای احکام^۵ و همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «شناسایی و اجرای آرای خارجی در دعوی مالکیت فکری»^۶ که تنها در موارد معدودی صرفاً به اصول ماکس پلانک اشاره کرده است، بی‌آنکه تحلیل جامع و دقیقی از موضوع به‌عمل آورده باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا قواعد شناسایی و اجرای آرای خارجی در نظام حقوق مالکیت فکری را در پرتو اسناد مذکور و با رویکردی تطبیقی مطالعه کند، ضمن

1. Principles for Conflict of Laws in Intellectual Property, prepared by the European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP Principles), 31 August 2011.
2. The American Law Institute Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, and Judgments in Transnational Disputes (ALI Principles), 14 May 2007.
3. Transparency of Japanese Law Project, Transparency Proposal on Jurisdiction, Choice of Law, Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property (Transparency Proposal), 2009.
4. Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights, Joint Proposal Drafted by Members of the Private International Law Association of Korean and Japan (Joint University Global COE Project (the Joint Korean and Japanese Proposal), 14 October 2010.
5. ام. جی. درینسن، «صلاحیت بین‌المللی، شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعوی مالکیت فکری»، ترجمه باقر انصاری، پژوهش‌های حقوقی، سال دوم، ش ۳، بهار تا تابستان ۱۳۸۲. گفتنی است این مقاله اغلب براساس کنوانسیون‌های عام مربوط به شناسایی و اجرای احکام خارجی و پیش از تدوین اسناد نمونه بین‌المللی خاص مالکیت فکری تدوین شده و به‌رغم عنوانش، محور اصلی بحث آن صلاحیت رسیدگی به دعوی است و بسیار محدود به شناسایی و اجرای احکام پرداخته است.
6. Marieke Germa Tonny Driessen, International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgment in Intellectual Property Cases, March 2001, submitted for the Seminar, International and Comparative protection of Intellectual Property, by Professor Jane C. Ginsburg for the degree of Master of Laws, School of Law Columbia University.
7. شهیدی، قاسم، شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعوی مالکیت فکری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۴، با راهنمایی دکتر مصطفی فضائلی، پردیس دانشگاهی دانشگاه قم.

اینکه به فراخور موضوع، سایر منابع و مقررات حقوقی مرتبط مانند کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای لاهه، کنوانسیون لوگانو و مقررات بروکسل نیز مورد رجوع و بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

در این زمینه ابتدا خصوصیات رأی قابل شناسایی و اجرا مطمح نظر قرار داده شده و پس از بیان چگونگی تشخیص صلاحیت خاص در نظام حقوق مالکیت فکری، شرایط و موانع شناسایی و اجرای رأی خارجی تشریح می‌شود و در نهایت نیز به آیین و تشریفات لازم دادرسی مربوط به شناسایی و اجرای احکام خارجی پرداخته می‌شود.

۲. خصوصیات رأی قابل شناسایی و اجرا

نخستین پرسش در زمینه شناسایی و اجرای آرای خارجی این است که چه آرای قابلیت شناسایی و اجرای فراملی دارند؟ آیا هر رأی و تصمیم قضایی واجد چنین قابلیت شناخته می‌شود؟ ویژگی‌ها و خصوصیات آرا و تصمیمات قابل شناسایی و اجرا چیست؟

مطابق با ماده ۱۰۱:۴ اصول ماکس پلانک «هر رأیی که دادگاه یک کشور صادر می‌کند، با قطع نظر از نحوه رسیدگی منتهی به آن در دادگاه یا هر نام و عنوانی که داشته باشد، اعم از حکم، دستور، تصمیم و اجرائیه»، قابل شناسایی و اجرا خواهد بود. همین مفهوم در ماده ۱، ۴۰۱ طرح شفافیت ژاپن، ماده ۲، ۱۰۱ اصول مؤسسه حقوقی آمریکا (Kono, Tada, Shin, -, 302)، ماده ۲۳ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام لاهه ۲۰۰۱ و همچنین طرح مشترک ژاپن و کره نیز درج شده است. بنابراین، واژه رأی در حوزه بین‌المللی شناسایی و اجرای آرای خارجی، مفهومی بسیار وسیع دارد و شامل مطلق آرای حقوقی و کیفری؛ اعم از حکم، قرار و دستور، همچنین رأی مالی و غیرمالی، رأی قابل تجدیدنظرخواهی، رأی غیابی و دستورهایی که موقتاً اجراشدنی‌اند، می‌شود.

بند ۵ ماده ۱۰۲:۴ اصول ماکس پلانک بیان می‌کند: «اگر نسبت به رأیی که درخواست شناسایی یا اجرای آن صورت گرفته، در کشور مبدأ نیز تقاضای تجدید نظر به عمل آمده باشد و یا مهلت تجدیدنظرخواهی آن منقضی نشده باشد، امکان تعویق یا رد درخواست شناسایی و اجرای آن وجود دارد». بنابراین درخواست تجدید نظر یا عدم انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی از رأیی که تقاضای شناسایی یا اجرای آن به عمل آمده است، مانع از شناسایی و اجرا نخواهد بود. حال چنانچه دادگاه درخواست شناسایی یا اجرا را رد کرد، این تصمیم اعتبار امر مختوم ندارد و متقاضی مجدداً می‌تواند درخواست خود را مطرح کند. بنابراین اصول ماکس پلانک اختیار رد درخواست یا تأخیر در شناسایی یا اجرا را به دادگاه داده است. به بیان دیگر، شناسایی و اجرای رأی مشروط به قطعیت رأی صادره نیست. براساس سایر اسناد و مقررات

بین‌المللی، همانند ماده ۴۰۳،۲ طرح شفافیت ژاپن، طرح مشترک ژاپن و کره، مواد ۲۳۸ و ۲۵،۴ کنوانسیون ۲۰۰۱ لاهه در خصوص شناسایی و اجرای آرا، ماده ۳۷ مقررات بروکسل و کنوانسیون لوگانو نیز آرای غیرقطعی قابلیت شناسایی و اجرا دارند؛ کما اینکه در غالب نظام‌های حقوقی ملی نیز قطعیت شرط لازم برای شناسایی و اجرای رأی نیست. لیکن برای رفع نقیصه عدم قطعیت رأی، امکان اخذ تضمین و تودیع خسارت احتمالی توسط متقاضی اجرا پیش‌بینی شده است (Ubertazzi, 2012: 311). البته ماده ۴۰۱،۲ مندرج در اصول مؤسسه حقوقی آمریکا مقرر می‌دارد که در چنین مواقعی دادگاه باید هم شناسایی و هم اجرا را به تأخیر بیندازد. از دیگر سو، هنوز تعداد معدودی از کشورها، همچون ایتالیا و ژاپن، قطعیت را شرط لازم برای شناسایی و اجرا تلقی می‌کنند (Kono, Tada, Shin: 297-299). ایران نیز در دسته همین کشورهای معدود قرار می‌گیرد، چراکه مطابق با ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، پذیرش درخواست متقاضی مشروط به قطعیت رأی صادره است. علاوه بر این، امکان شناسایی و اجرا تنها شامل حکم دادگاه خارجی می‌شود، نه مطلق آرا و تصمیمات قضایی خارجی.^۱

اما، هدف از اتخاذ چنین مفهوم وسیع و منعطفی از واژه رأی در قضایای مربوط به مالکیت‌های فکری، حمایت مؤثر و به‌موقع از دارندگان حق‌های مالکیت فکری در برابر نقض حقوقشان است (De Miguel Asensio, 2010: 11). در راستای تحقق همین هدف است که بنابر تصریح اسناد بین‌المللی، اگر مفاد رأیی در باب چند مسئله بوده و قسمت‌های مختلف آن امکان تفکیک و جداسازی داشته باشد، شناسایی و اجرای بخشی از رأی نیز میسر خواهد بود، به‌گونه‌ای که اگر درخواست اجرای یک رأی خارجی در دادگاه کشوری طرح شد اما بخشی از رأی به هر دلیلی قابلیت شناسایی نداشت، این امر موجب نخواهد شد که بخش دیگر نیز با مانع مواجه شود و امکان شناسایی و اجرا را از دست بدهد؛ بنابراین دادگاه‌ها مجازند که جزئی از یک رأی را شناسایی و اجرا کنند (بند ۶ ماده ۱۰۲: اصول ماکس پلانک، ماده ۴۰۱(۱) طرح شفافیت ژاپن، ماده ۴۰۲ طرح مشترک ژاپن و کره، ماده ۴۸ کنوانسیون لوگانو و ماده ۴۸ مقررات بروکسل). اگرچه مقررات مندرج در اصول مؤسسه حقوقی آمریکا در این خصوص ساکت است، با توجه به اینکه شناسایی و اجرای جزئی آرا به‌طور کلی پذیرفته شده و می‌توان گفت اکنون به یک اصل بین‌المللی تبدیل شده است، همچنین با تنقیح مناط از تجویز صریح شناسایی جزئی آرا در

۱. ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به‌صراحت از لفظ حکم استفاده کرده و بیان داشته است: «احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی...». طبق مفاد ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، «واژه «رأی» مفهومی عام دارد که شامل حکم و قرار می‌شود. چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به‌طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود (شمس، ۱۳۹۰: ۲۰۳ - ۲۰۱). از دیگر سو در حقوق ایران همین مقررات محدود و اندک تنها در حوزه مدنی وجود دارد و شامل آرای کیفری نمی‌شود. حتی قانون آیین دادرسی کیفری جدیدالتصویب نیز در خصوص امکان اجرای آرای کیفری ساکت است.

باب غرامات کیفری و نبود منع قانونی، می‌توان قائل به پذیرش امکان شناسایی و اجرای قسمتی از یک رأی خارجی از منظر مؤسسه حقوقی آمریکا بود (Ubertazzi, 2012: 316). اثر مفید این امر به‌ویژه در آنجا ظاهر می‌شود که تنها قسمتی از یک رأی مخالف با نظم عمومی کشور مورد درخواست باشد، یا متقاضی شناسایی یا اجرا تنها در قسمتی از رأی صادره ذی‌نفع باشد و درخواست شناسایی یا اجرای همان قسمت را از دادگاه مقرر مطرح کند. در نهایت اینکه مطابق برخی مقررات بین‌المللی، همچون ماده ۵۰ موافقت‌نامه تریپس، به‌منظور جلوگیری از وقوع نقض حقوق مالکیت فکری، به‌خصوص جلوگیری از ورود ضرر جبران‌ناپذیر به دارنده حق که از ورود کالاهای وارداتی ناقض حق مالکیت فکری به کانال‌های تجاری ناشی می‌شود، همچنین حفظ ادله مربوط به نقض حق، دادگاه‌ها می‌توانند به‌صرف تقاضای مدعی نقض و بدون استماع اظهارات طرف دیگر، امر به اقدامات موقتی و حمایتی^۱ کنند. اما این موافقت‌نامه تعهدی بر دول عضو مبنی بر لزوم شناسایی و اجرای چنین تصمیماتی ایجاد نمی‌کند. لیکن، مقررات شناسایی و اجرای آرای مالکیت فکری در برخی اسناد و طرح‌های نمونه بین‌المللی، مانند بخش سوم اصول ماکس پلانک و اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، مقرر کرده‌اند که این تصمیمات تنها در صورتی امکان شناسایی یا اجرا در کشور خارجی را دارند که فرصت دفاع به خواننده یا ناقض احتمالی حق مالکیت فکری داده شده و سپس تصمیم بر انجام اقدامات موقتی یا حمایتی از سوی دادگاه صلاحیت‌دار صورت گرفته باشد.

۳. صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی

یکی دیگر از پرسش‌های مطرح در زمینه شناسایی و اجرای احکام خارجی، این است که آیا صلاحیت دادگاه خارجی صادرکننده رأی یا هر تصمیم قضایی که شناسایی و اجرای آن مورد درخواست است، باید در دادگاه کشور محل اجرا بررسی شود؟ مفهوم این پرسش آن است که چنانچه دادگاه خارجی صادرکننده رأی یا تصمیم قضایی فاقد صلاحیت بوده باشد، رأی و تصمیم او شناسایی و اجرا نخواهد شد. در صورتی که پاسخ این پرسش مثبت باشد، پرسش دیگری که در پی آن خواهد آمد این است که صلاحیت مرجع صادرکننده رأی با کدام معیارهای صلاحیت سنجیده خواهد شد؟ آیا قواعد صلاحیت کشور محل اجرا ملاک عمل خواهد بود یا قواعد کشور محل صدور رأی یا معیارهای فراملی و بین‌المللی مبنای عمل قرار خواهد گرفت؟

درباره مسئله صلاحیت قضایی با نظر به مقررات مربوط به شناسایی و اجرای احکام در اسناد نمونه بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد که مقررات مزبور در برخی اسناد مانند اصول ماکس

1. Provisional and protective measures

پلانک، طرح شفافیت و طرح مشترک ژاپن و کره قلمرو وسیع دارند و بر تمامی آرای خارجی بدون اشاره به ملاک صلاحیت مرجع صادرکننده رأی و قید معیارهای صلاحیت مندرج در این اسناد، قابلیت اعمال دارند. به تعبیر دیگر، این اسناد مقررات مربوط به شناسایی و اجرای احکام خود را نسبت به آرای که توسط هر دادگاهی صادر شده تعمیم می‌دهند، با قطع نظر از اینکه مطابق اصول صلاحیت مندرج در این اسناد عمل کرده باشند یا نه! (Benedetta Ubertazzi, 2012: 307)، اما مقررات یادشده در اصول مؤسسه حقوقی آمریکا قلمرو محدود دارد و تنها بر آرای که دادگاه صادرکننده مطابق با این اصول، از جمله درباره معیارهای صلاحیت، انشای رأی نموده باشد اعمال خواهد شد، و چنانچه این اصول در فرایند دادرسی مراعات نشده باشد، نسبت به رأی حاصل از آن اعمال نمی‌گردد (ماده ۱، ۲۰۱۱)، در این صورت دادگاه شناسایی‌کننده و مجری رأی طبق قواعد داخلی کشور خودش در خصوص شناسایی و اجرا رأی خارجی تصمیم می‌گیرد (Pedro de Miguel Asensio, 2010: 245).

مطابق ماده ۲۲ طرح کنوانسیون لاهه، دادگاه محل اجرای رأی باید صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی را تأیید کند^۱ و در این زمینه به تشخیص دادگاه مبدأ درباره امور موضوعی که صلاحیت خود را بر آن استوار ساخته، ملزم خواهد بود، مگر آنکه رأی غیابی^۲ صادر شده باشد. لیکن، به صرف اینکه دادگاه صادرکننده رأی می‌بایستی مطابق ماده ۲۲ از اعمال صلاحیت خودداری می‌کرد، شناسایی و اجرای رأی نباید رد شود. (Dreyfuss & Ginsburg, 2002: 1026).

اصول ماکس پلانک نیز مقرر می‌دارد که هر گاه دادگاه کشور مبدأ بدون توجه به مقررات مندرج در این اصول رأی خود را صادر کرده باشد، دادگاه محل شناسایی و اجرا باید توجه کند که اگر مطابق مقررات فصل دوم این اصول، دادگاه صادرکننده مبنای صلاحیتی نداشته، به‌خصوص زمانی که اقدام به صدور رأی کرده باشد، درحالی‌که ناقض قواعد مربوط به صلاحیت بوده، باید درخواست شناسایی و اجرای چنین رأی را رد کند، اما اگر دادگاه مبدأ با رعایت اصول ماکس پلانک اصدار رأی نموده باشد، فرض بر این است که رأی خارجی هیچ‌گونه تعارضی با مقررات مربوط به صلاحیت کشور محل اجرا نداشته و توسط دادگاه صالح انشا شده است (ماده ۴:۲۰۱ اصول ماکس پلانک). لیکن در خصوص آرای غیابی، اصول مؤسسه حقوقی آمریکا مقرر می‌کند که صلاحیت مرجع صادرکننده رأی باید مطابق قانون کشور مقر آن ارزیابی و تأیید شود (Ubertazzi, 2012: 318).

1. verification of jurisdiction
2. by default

در مقررات مربوط به نظام محاکمات کشورها، قواعد مربوط به صلاحیت انحصاری^۱ در تعیین صلاحیت محاکم قضایی نقش محوری دارند، این قواعد در حوزه شناسایی و اجرای آرای خارجی نیز تأثیر خود را هرچند به‌طور غیرمستقیم گذاشته‌اند، کما اینکه میان قانون حاکم و شناسایی و اجرای احکام خارجی نیز رابطه‌ای غیرمستقیم وجود دارد (Driessen, 2001: 11). بدیهی می‌نماید که دادگاه‌های هر کشوری از شناسایی و اجرای آرای خارجی در موضوعاتی که آن را در صلاحیت انحصاری خود می‌دانند، خودداری خواهند کرد. اصول ماکس پلانک، اصول مؤسسه حقوقی آمریکا و طرح مشترک ژاپن و کره و همچنین طرح شفافیت، در خصوص صلاحیت انحصاری و موضوعات و دعاوی مشمول آن هر یک مقررات ویژه و نسبتاً متفاوتی دارند. این تفاوت رویه در اسناد بین‌المللی نقش مهمی در شناسایی و اجرای آرای خارجی دارد. برای مثال در اصول ماکس پلانک رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل موجودیت و اعتبار حق مالکیت فکری در صلاحیت انحصاری دادگاه کشور محل ثبت و ایجاد حق است^۲، این همان قاعده‌ای است که در کنوانسیون‌های بروکسل (۱۹۶۸)^۳ و لاهه (۱۹۹۹)^۴ نیز مقرر شده است. البته در صورتی که دعوی ثبت یا اعتبار مالکیت در قالب دعوی متقابل و در مقام دفاع در دعوی دیگری (مانند دعوی نقض حق) مطرح شده باشد، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی می‌تواند به دعوی متقابل مربوط به اصل وجود و اعتبار حق نیز رسیدگی کند، هرچند رأی صادره در این زمینه در برابر اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود (ماده ۲:۴۰۱ اصول ماکس پلانک) و بنابراین نمی‌توان اجرای چنین رأیی را علیه شخص ثالث خواستار شد. لیکن چنانچه در نتیجه چنین دعوی رأی به سود خواننده دعوی نقض صادر شود و مالکیت دارایی فکری تغییر کند یا رأی بر عدم اعتبار حق مالکیت فکری صادر شود، رأی مزبور به دلیل توسعه دادخواهی و اجرای فرامرزی آراء، قابل شناسایی و اجرا در یک کشور خارجی خواهد بود؛ اما اگر دعوی اصلی مربوط به اصل وجود حق مالکیت فکری باشد و در دادگاهی غیر از دادگاه کشور محل حمایت آن حق اقامه شده و به صدور رأی منجر شود، قابلیت شناسایی و

1. Exclusive Jurisdiction

۲. قاعده صلاحیت انحصاری کشور محل حمایت، نتیجه اصل سرزمینی بودن حمایت از حقوق مالکیت فکری است (بختیاروند، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

۳. کنوانسیون بروکسل درباره صلاحیت و اجرای احکام در امور مدنی و بازرگانی در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ میان دول عضو جامعه اروپایی در آن زمان، منعقد شد. کنوانسیون مشابه دیگری با همین نام در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸ میان دول عضو جامعه اروپایی و انجمن تجارت آزاد اروپایی در لوگانو، منعقد شد که هر دو با عنوان «کنوانسیون بروکسل» شناخته می‌شوند. برای تحلیل مقررات ذی‌ربط این کنوانسیون‌ها و نیز کنوانسیون لاهه ر.ک:

Marieke Germa Tonny Driessen, op. cit.

۴. طرح اولیه کنوانسیون در خصوص صلاحیت و احکام خارجی در امور مدنی و بازرگانی در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۹ در کنفرانس لاهه تدوین و در کنفرانس دیپلماتیک می ۲۰۰۱ پذیرفته شد. برای دسترسی به متن این طرح ر.ک:

<http://www.hcch.net/e/conventions/draft36e.html>

اجرا در دادگاه کشور خارجی را نخواهد داشت، زیرا رأی خارجی از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شده است. طرح مشترک ژاپن و کره و ماده ۳۵ مقررات بروکسل نیز چنین مقرره‌ای را درج کرده‌اند (Cook, 2014: 2; Engelen, 2010: 9). این در حالی است که طرح شفافیت قائل به وجود صلاحیت انحصاری نیست و طبعاً در این‌گونه دعاوی که وجود یا اعتبار حق مالکیت فکری موضوع اصلی دعواست، مانعی در راستای شناسایی و اجرای رأی صادره وجود ندارد (ماده ۴۰۲(۱)، زیرا رأیی که در چنین مواردی صادر می‌شود تنها در حل اختلاف میان طرفین دعوا مؤثر است (ماده ۴۰۲(۲)). همین نتیجه و اثر نسبی و محدود به طرفین از مقررات اصول مؤسسه حقوقی آمریکا نیز استنباط می‌شود، چراکه این اصول به صلاحیت انحصاری، به صورت بسیار محدود قائل است (Ubertazzi, 2012: 319). البته با توجه به دکتترین حقوقی، اگر در این‌گونه موارد اعتبار یا دامنه یک حق مالکیت فکری موضوع رأی خارجی متفاوت با آن چیزی باشد که در کشور معطی حق انحصاری به ثبت رسیده است، با توسل به استثنای نظم عمومی می‌توان درخواست شناسایی یا اجرای رأی خارجی را رد کرد (Kono, Tada, Shin, 322). در نهایت ماده ۴:۲۰۴ اصول ماکس پلانک بیان می‌کند، اگر رأی خارجی آشکارا با قواعد مربوط به صلاحیتی که در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان یا کارگران در کشوری وضع شده است، منافات داشته باشد، دادگاه کشور مزبور امکان رد درخواست شناسایی یا اجرای آن را دارد. اصول ماکس پلانک تنها سند بین‌المللی است که به صراحت در صدد حمایت از این قشر برآمده و در سایر اصول و مقررات بین‌المللی، به دلیل تنوع استانداردهای حمایت از مصرف‌کننده و کارگران چنین مقرره‌ای پیش‌بینی نشده است، تنها در برخی موارد می‌توان با استناد به استثنای نظم عمومی، درخواست شناسایی یا اجرای رأی خارجی را رد کرد (Ubertazzi, 2012: 323).

۴. شرط معامله متقابل

بدیهی است، اجرای آرای قضایی که در داخل یا خارج یک کشور صادر می‌شود، مستلزم دخالت و مساعدت قدرت عمومی دولت و گاه قدرت انتظامی آن است. پیش از هر چیز مرجع اجرای رأی خارجی باید رأی مزبور را به رسمیت بشناسد، یعنی معتبر بداند و آن را به عنوان یک تصمیم الزام‌آور تلقی کند. بنابراین، منظور از شناسایی رأی خارجی این است که به رأی خارجی ارزش و قدرتی همانند با آرای صادره از دادگاه‌های کشوری اعطا شود که شناسایی رأی خارجی در آنجا درخواست شده است^۱.

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره نک. لعیا جنیدی، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ۹۵-۸۸.

بسیاری از کشورها میان خود معاهدات دوجانبه یا چندجانبه منعقد کرده یا در سازمان‌های منطقه‌ای عضویت یافته‌اند که مقرراتی در خصوص شناسایی متقابل آرا در بین اعضای خود را پیش‌بینی کرده‌اند. در این زمینه اصول ماکس پلانک مقررۀ خاصی دارد که به‌عنوان حلقۀ ارتباطی مهم میان اصول و اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، اصل تسهیل شناسایی^۱ را مطرح می‌کند. مطابق با ماده ۱۰۳:۴، اگر مقررات شناسایی و اجرای رأی در یک نظام منطقه‌ای یا معاهداتی که کشور خارجی در آن عضویت یافته، نسبت به مقررات فصل چهارم اصول ماکس پلانک شرایط مساعدتری برای شناسایی و اجرای رأی خارجی در نظر گرفته باشد، رسیدگی به درخواست متقاضی شناسایی یا اجرا طبق قانون مساعدتر به‌عمل می‌آید. این اصل بر مبنای توسعه همکاری بین‌المللی بنا شده است تا آرای خارجی بسیار راحت‌تر قابلیت اجرا داشته باشند (De Miguel Asensio, 2010, 11).

در حقوق ایران مستفاد از ماده ۹۷۲ قانون مدنی و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی شرایطی برای شناسایی و اجرای آرای خارجی پیش‌بینی شده است که عبارت‌اند از:

۱. حکم از کشورهایی صادر شده باشد که به‌موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای، احکام صادره از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل کند؛
۲. مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد؛
۳. اجرای حکم مخالف با عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد؛
۴. از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد؛
۵. رسیدگی به موضوع دعوا مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد؛
۶. دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.

بنابراین حقوق ایران همانند اسپانیا، ژاپن و برخی ایالت‌های آمریکا، معامله متقابل را یکی از شرایط شناسایی و اجرای آرای خارجی قلمداد می‌کند. این در حالی است که با وجود

1. favor recognitionis principle

۲. بنابراین شناسایی و اجرای احکام خارجی در ایران منوط به دو شرط به نحو مانع‌الخلو است: میان ایران و کشور خارجی مربوط قرارداد معاضدت قضایی وجود داشته باشد یا کشور مزبور نیز در عمل احکام دادگاه‌های ایران را اجرا کنند. برای پی بردن به این مطلب که یکی از این دو شرط وجود دارد یا خیر، باید به قوانین مربوط در آن کشور مراجعه یا از اداره حقوقی قوه قضائیه استعلام کرد. به‌نظر می‌رسد در حال حاضر دیدگاه و رویه بر این است که آرای دیگر کشورها در ایران اجرا شود تا آنها نیز آرای محاکم ایران را اجرا کنند (ن.ک: موحدیان، ۱۳۹۲: ۳۰۸).

مسکوت ماندن مسئله معامله متقابل^۱ در اسناد بین‌المللی (به استثنای طرح شفافیت ماده (vi) ۲۰۲)، در غالب قوانین ملی کشورها مانند ایتالیا، سوئیس و بیشتر ایالت‌های آمریکا (R. Beard, 1999: 168-186; K. R. Miller, 2003-2004:253-254) معامله متقابل پیش‌شرطی در راستای شناسایی یا اجرای آرای خارجی محسوب نمی‌شود (Ubertazzi, 2012: 307).

قواعد شناسایی و اجرای رأی خارجی مقرر در اصول مؤسسه حقوقی آمریکا نیز تنها در مورد آرای قابلیت اعمال دارد که دادگاه صادرکننده رأی با رعایت مقررات مندرج در این اصول انشای رأی نموده باشد (ماده ۱، ۲۰۱)، بی‌آنکه آن را به معامله متقابل مقید کرده باشد.

اشتراک معامله متقابل در شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت فکری موافقان و مخالفان دارد. موافقان بر این باورند که حمایت از منافع عمومی کشور مقتضی آن است که شناسایی یا اجرای رأی خارجی منوط به معامله متقابل میان کشورها باشد. از سویی نظام حقوق مالکیت فکری بر مبنای اصل سرزمینی بودن^۲ این حقوق استوار است، بنابراین به دلیل متفاوت بودن سیاست‌های تقنینی کشورها در حوزه حقوق مالکیت فکری و رقابت غیرمنصفانه، طبیعتاً قلمرو، سطح و شیوه حمایت از این حقوق نیز تفاوت خواهد داشت. اما مخالفان بر این باورند که حمایت از منافع عمومی توجیه مناسبی برای وجود شرط معامله متقابل نیست و با نبود این شرط نیز می‌توان، به منظور حفظ منافع عمومی، با توسل به استثنای نظم عمومی در موارد نیاز مانع شناسایی یا اجرای رأی خارجی شد. از سویی فراهم کردن زمینه معامله متقابل بسته به اختیار دولت‌هاست، نه اشخاص خصوصی. با توجه به رویکرد اتخاذشده در اسناد نمونه بین‌المللی، می‌توان گفت از یک سو تسهیل شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت فکری با حذف شرط معامله متقابل اقدامی در راستای حمایت بین‌المللی از مالکیت‌های فکری به‌شمار می‌رود که هم تأمین‌کننده منافع خصوصی است و هم به توسعه هرچه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری فراملی می‌انجامد و انتقال دانش و فناوری را تسهیل می‌کند که نقشی مهم در تأمین منافع عمومی کشورها دارد. در عین حال، امکان استناد به مانع نظم عمومی حفظ موازنه لازم میان منافع خصوصی و مصالح عمومی را میسر می‌سازد.

همان‌گونه که مخالفان شرط معامله متقابل گفته‌اند، هرچند برخی از دلایلی که به آن اشاره کرده‌اند مانند دشواری احراز رعایت این شرط چندان قوی نمی‌نماید، قرار دادن چنین شرطی غیرضروری به نظر می‌رسد (see, Kono, Tada & Shin, -:329.330).

1. Reciprocity

2. Territorial Principle

اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری از مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام به‌شمار می‌رود.

۵. موانع شناسایی و اجرای رأی خارجی

موضوع حائز اهمیت دیگر درباره شناسایی و اجرای رأی خارجی، این است که در مواردی به‌رغم وجود شرایط قانونی لازم، رأی یا تصمیم قضایی که اصولاً قابل شناسایی و اجراست، به‌دلیل مواجه شدن با موانعی از شناسایی و اجرای آن خودداری می‌شود (الماسی، ۱۳۸۳: ۲۰۵-۱۷۸). نظم عمومی، ابلاغ، وجود رأی متعدد و رأی درباره اقدامات موقتی و حمایتی غیرقانونی، عمده عوامل و مسائل مطرح در زمینه موانع شناسایی یا اجرای رأی خارجی‌اند که در ذیل به بیان و بررسی آنها می‌پردازیم.

۵.۱. نظم عمومی

مهم‌ترین مانع شناسایی و اجرای رأی خارجی که در تمامی مقررات بین‌المللی و داخلی به‌صراحت اعلام شده، مانع نظم عمومی است (The American Law Institute, 2000: 26)؛ بدین معنا که اگر رأیی که درخواست شناسایی و اجرای آن در دادگاه کشوری غیر از کشور محل صدور به‌عمل آمده است، آشکارا با نظم عمومی کشور محل شناسایی و اجرا مخالفت داشته باشد، چنین درخواستی الزاماً باید رد شود (Trimble Landova, 2009: 651). یا چنانچه در رسیدگی‌هایی که منتج به صدور رأی خارجی شده، اصول مسلم دادرسی^۱ همچون انصاف و عدالت، بی‌طرفی، اصل تناظر و تساوی اصحاب دعوا رعایت نشده، یا فرصت کافی برای ارائه ادله از سوی طرفین دعوا در اختیار آنان قرار نگرفته باشد. همچنین اگر رأی در نتیجه دادرسی‌ای صادر شده باشد که در آن حق دفاع و طرح و استماع دعوی متقابل مبنی بر بی‌اعتباری حق مالکیت فکری موضوع دادخواست به خواننده دعوا داده نشده باشد.

رعایت نظم عمومی کشور محل اجرا به‌عنوان یک اصل مورد اتفاق همه نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی است. کنوانسیون بروکسل در بند ۱ ماده ۲۷ و نیز ماده ۳۴ به بیان این قاعده پرداخته که چنانچه شناسایی و اجرای رأی خارجی مغایر با نظم عمومی کشور محل اجرا باشد قطعاً رد می‌شود، لیکن استثنای نظم عمومی برای ارزیابی در ماهیت دادرسی قابل استفاده نیست (Driesson, 2001: 55). کنوانسیون لاهه نیز در بند ۱ ماده ۲۸ مقرر داشته که شناسایی و اجرای رأی خارجی ممکن است رد شود، زیرا با نظم عمومی محل اجرا آشکارا ناسازگار است. اما تعریفی از مفهوم نظم عمومی ارائه نشده است (Ibid: 56).

۱. هر دو نظام حقوق نوشته و کاملاً ابزارهایی برای تأمین این اصول در نظر دارند (F. Blumer, 2001: 399). ضمن اینکه اصول دادرسی عادلانه و معیارها و تضمین‌های آن در زمره تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حوزه حقوق بشر شناخته می‌شود و در انواع دادرسی‌ها اعم از کیفری و مدنی لازم‌الرعایه است.

به نظر می‌رسد مفهوم نظم عمومی در زمینه مسائل مربوط به مالکیت‌های فکری اهمیتی به مراتب بیش از سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین دارد، زیرا ارتباط میان این حوزه با مصالح عمومی کشورها بسیار وثیق‌تر از سایر حوزه‌هاست. در نظام مالکیت فکری مانع نظم عمومی در موارد ذیل می‌تواند مصداق پیدا کند (Oestreicher, 2004: 90-91):

الف) زمانی که رأیی در خصوص یک حق اختراع بوده که اثر بسزایی در امکان دسترسی به محصولات مورد نیاز در حوزه سلامت و امنیت کشور محل شناسایی و اجرا داشته باشد (ماده ۲۷ تریپس) (De Miguel Asensio, 2010: 11)؛
 ب) در صورتی که در رأیی حکم بر قابلیت ثبت نوآوری‌هایی داده شده باشد که مربوط به حوزه مسائل بیوتکنولوژیک است، اما در کشوری که شناسایی یا اجرای آن رأی درخواست می‌شود، چنین نوآوری منافی با شأن انسانی محسوب شود؛

ج) هر گاه مفاد یک رأی به گونه‌ای باشد که اجرای آن به حقوق معنوی پدیدآورندگان مالکیت فکری لطمه وارد کند؛

د) زمانی که در رأی خارجی قلمرو یا اعتباری مخالف با مقررات حقوقی کشور اعطاکننده حق برای حق مالکیت فکری در نظر گرفته شده باشد؛

ه) در مواردی که رأی خارجی بدون رعایت قوانین کشور اعطاکننده حق صادر شده باشد (این مورد در طرح شفاف‌سازی مقرر شده است). منظور از این قوانین، علی‌القاعده، باید قوانین ماهوی کشور اعطاکننده حق در زمینه شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده حق (مربوط به مرحله ایجاد حق) باشد، زیرا اصولاً حق باید طبق قانون محل ایجاد و با رعایت کلیه شرایط لازم در آن قانون پدید آمده باشد تا واجد اعتبار فراملی یا بین‌المللی شناخته شود؛

و) زمانی که در کشوری همچون فرانسه که مبتنی بر نظام حق مؤلف است، رأی بر تحقق نقض حق معنوی مالک اثر فکری و الزام به رعایت حق دارنده صادر شده باشد و در کشوری همچون آمریکا که حق معنوی را به رسمیت نمی‌شناسد، درخواست شناسایی و اجرای رأی شده باشد.

برخی بر این باورند که دادگاه‌ها باید در رد اجرای احکام خارجی مربوط به دعاوی مالکیت فکری بر مبنای ناسازگاری با نظم عمومی اختیار وسیع‌تری داشته باشند. در توجیه این رویکرد چنین استدلال می‌شود که قضایای مالکیت فکری نه تنها به طرفین مرافعه، بلکه به مقوله‌هایی مانند سلامت، بهداشت، توسعه علمی و فکری و کیفیت زندگی مردم کشور محل اجرا نیز ارتباط دارد (see, Driesson, 2001: 57).

۵. ۲. عدم رعایت تشریفات قانونی ابلاغ

عامل دیگری که به صراحت به عنوان مانع شناسایی و اجرای رأی خارجی در اسناد نمونه بین‌المللی ذکر شده است، هرچند به دعاوی مالکیت فکری اختصاص ندارد و در مورد همه احکام خارجی می‌تواند صدق کند، لیکن به لحاظ اهمیت ویژه‌اش در مقررات نمونه در زمینه دعاوی مالکیت فکری مورد توجه قرار گرفته، بحث عدم رعایت تشریفات مربوط به ابلاغ^۱ است که هدف از آن حمایت از حقوق خواننده دعواست. بند ۱ ماده ۴:۵۰۱ اصول ماکس پلانک بیان می‌دارد که اگر در فرایند دادرسی که به صدور رأی خارجی منجر شده است، ابلاغ اوراق به‌نحو صحیح قانونی صورت نگرفته و خواننده دعوا فرصت کافی برای دفاع از خود نداشته باشد، رأی صادره قابلیت شناسایی یا اجرا ندارد، مگر آنکه خواننده در جلسه رسیدگی حاضر شده و از خود دفاع کرده باشد، بدون اینکه اعتراضی به شیوه ابلاغ دادگاه مبدأ نموده باشد. در ماده (ii) ۴۰۲ طرح شفافیت مسئله مذکور بدین شکل آمده که اگر ابلاغ به‌طور صحیح صورت نگرفته باشد، اما خواننده در دادگاه حضور یابد، رأی خارجی مزبور الزاماً باید شناسایی شود. اما ماده ii(۱) ۴۰۱ طرح مشترک ژاپن و کره مقرر می‌کند که حاضر شدن خواننده در جلسه رسیدگی دادگاه، عدم رعایت تشریفات قانونی ابلاغ را توجیه نمی‌کند.^۲ این در حالی است که اصول مؤسسه حقوقی آمریکا از این هم فراتر رفته و بیان داشته که ابلاغ نادرست، مطلقاً موجب عدم شناسایی رأی خارجی خواهد بود، ولو اینکه خواننده در دادگاه مبدأ حاضر شده و به شیوه ابلاغ اعتراضی نکرده باشد.

تفاوت دیگر در میان اسناد بین‌المللی در خصوص مسئله ابلاغ، این است که مطابق اصول ماکس پلانک و اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، شیوه ابلاغ موضوعیت ندارد، بلکه مسئله بااهمیت این است که خواننده ابلاغیه را به‌صورتی دریافت کند که زمان مناسب برای دفاع از خود را داشته باشد. اما بنابر طرح شفافیت، اگر میان کشور صادرکننده و کشور محل درخواست شناسایی یا اجرا معاهده‌ای وجود داشته و در آن شیوه‌ای برای ابلاغ اوراق در نظر گرفته شده باشد، اوراق مربوط به دادرسی باید الزاماً مطابق همان شیوه معین صورت پذیرد.

به نظر می‌رسد اگر شیوه ابلاغ اوراق متعارض با اصول اساسی مربوط به ابلاغ کشوری که درخواست شناسایی یا اجرای رأی خارجی در آن به‌عمل آمده باشد، مانع شناسایی رأی مزبور خواهد بود. این مسئله تنها در ماده (ii)(c) ۹ کنوانسیون لاهه، به صراحت به‌عنوان مبنایی برای

1. Notice , Service

۲. البته ابلاغ از طریق انتشار آگهی و امثال آن مطابق ماده (ii) ۴۰۱ مستثناست، چراکه که بنابر شرایط مقرر در قانون، خود نوعی ابلاغ قانونی به‌شمار می‌رود.

عدم شناسایی ذکر شده است؛ اما می‌توان آن را در زمره مقررات خاص شکلی اصول مؤسسه حقوقی آمریکا یا استثنای نظم عمومی مندرج در سایر اسناد بین‌المللی گنجانند (Ubertazzi, 2012: 335).

۵.۳. وجود آرای متعدد و متفاوت

سومین مانع شناسایی رأی خارجی در حوزه نظام حقوقی مالکیت فکری مربوط به وضعیتی است که با دو رأی متفاوت مواجه باشیم که در دو حالت قابل تصور است:

الف) درخواست شناسایی رأی خارجی در کشوری طرح شده باشد، اما رأی مزبور مخالف با رأیی باشد که قبلاً در همین کشور صادر شده است، مشروط بر آنکه اصحاب هر دو دعوا واحد باشند (اصول ماکس پلانک، بند ۳ ماده ۴:۵۰۱).

ب) درخواست شناسایی رأی خارجی در کشوری صورت گرفته باشد، اما این رأی مخالف رأیی باشد که پیشتر در کشور ثالث صادر شده یا با درخواست شناسایی آن در همین کشور موافقت شده است؛ مشروط بر آنکه اصحاب و سبب هر دو دعوا یکی باشد (همان، بند ۴ ماده ۴:۵۰۱).

حال چنانچه متقاضی شناسایی یک رأی خارجی در کشوری درخواست خود را مطرح کرده باشد درحالی‌که دعوایی در این کشور میان همان اصحاب و با همان سبب نزد دادگاه این کشور در حال رسیدگی باشد، این وضعیت نیز به موجب بند ۲ ماده ۴:۵۰۱ اصول ماکس پلانک از موانع شناسایی رأی خارجی محسوب می‌شود. مشابه این مقررات در طرح مشترک ژاپن و کره نیز درج شده است (Kono, Tada & Shin: 327).

۵.۴. رأی غیرقانونی در زمینه تدابیر موقتی و حمایتی

بنابر ماده ۵۰ موافقت‌نامه تریپس هدف از اتخاذ تدابیر موقتی و حمایتی جلوگیری از تحقق یا گسترش دامنه نقض حق مالکیت فکری (Oestreicher, 2004: 87) یا حداقل حفظ دلیل مبنی بر وقوع نقض حق تا زمان صدور رأی قطعی است (Blakeney, 1996: 128).

همان‌گونه که اشاره شد، تنها در صورتی که فرصت کافی دفاع به خواننده یا ناقض احتمالی حق مالکیت فکری داده شده و سپس اقدام‌های موقتی یا حمایتی از سوی دادگاه صلاحیت‌دار مورد تصمیم قرار گرفته باشد، قابلیت شناسایی و اجرا در کشور خارجی را دارند. نبود حتی یکی از این دو شرط مانع شناسایی و اجرای چنین آرای خواهد بود.

۶. تشریفات شناسایی و اجرای رأی خارجی

آیین و فرایند شناسایی و اجرای رأی خارجی به موجب تقدیم درخواست، اعم از درخواست اصلی یا طاری، از سوی ذی‌نفع آغاز می‌شود. رسیدگی به این درخواست مطابق قانون کشوری که از آن تقاضای رسیدگی می‌شود، به‌عمل خواهد آمد (بند ۲ ماده ۷۰۲؛ بند ۱ ماده ۷۰۳؛ اصول ماکس پلانک؛ ماده ۴۰۹(۱) طرح مشترک ژاپن و کره). اما نباید متضمن محدودیت زمانی یا تأخیر ناروا و غیرمجاز باشد، بلکه دادگاه باید با سرعت عمل کند (ماده ۷۰۱؛ اصول ماکس پلانک). بنابراین فرایند رسیدگی به شناسایی باید به‌صورت خودکار و به صرف تقدیم درخواست از سوی متقاضی جریان یابد؛ چنین مقرره‌ای تنها در ماده ۷۰۲؛ اصول ماکس پلانک به‌صراحت بیان شده است. رد این درخواست نیز تنها در صورت وجود یکی از موانع مقرر قانونی مندرج در هر یک از مقررات بین‌المللی یا ملی ممکن خواهد بود، چراکه اصل بر شناسایی و اجرای آرای خارجی در حوزه نظام مالکیت فکری است.

دادگاه به‌منظور صدور حکم نسبت به درخواست شناسایی و اجرای رأی خارجی باید بررسی و احراز کند که اولاً رأی مزبور در کشور صادرکننده قابل اجرا باشد (ماده ۳۸ کنوانسیون لوگانو و بند ۴ ماده ۱۰۲؛ اصول ماکس پلانک)؛ ثانیاً موانع شناسایی، به‌خصوص مخالفت با نظم عمومی، وجود نداشته باشد. بنابراین رسیدگی دادگاه نوعی رسیدگی شکلی بوده و مجاز به تجدید نظر ماهوی در رأی خارجی نیست.^۱ ممنوعیت تجدید نظر ماهوی نسبت به رأی خارجی که شناسایی و اجرای آن درخواست شده، اصل مشترک در نظام‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است، چراکه مبنای آن، اصل حاکمیت کشورها و جدایی و استقلال نظام‌های قضایی است و ماهیت شناسایی و اجرا چنین اقتضایی دارد (De Miguel, 2010:27-30).

در حقوق ایران با توجه به عموماً به‌خصوص مطابق با ماده ۱۷۲ قانون اجرای احکام مدنی، متقاضی شناسایی و اجرای حکم باید به دادگاه عمومی محل اقامت محکوم‌علیه در ایران یا محل سکونت وی در ایران و در صورت فقدان آنها، به دادگاه عمومی شهرستان تهران مراجعه و اجرای حکم را کتباً تقاضا کرده و اسناد موضوع ماده ۱۷۳^۲ را ضمیمه درخواست

۱. مستند این امر در مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای، مواد ۶۰۱؛ اصول ماکس پلانک، (۲) ۴۰۱ طرح مشترک ژاپن و کره، (۴) ۴۰۳ اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، ۳۶ و ۴۵، ۲ مقررات بروکسل و ۲۰۰۷ کنوانسیون لوگانو است. طرح شفاف‌سازی نیز اگرچه در این خصوص ظاهراً ساکت بوده و مقرره صریحی ندارد، حقوقدانان معتقدند که چون این معیار امری بدیهی است، این سند آن را مفروض دانسته و نیازی به تصریح ندیده است (Kono, Tada & Shin: 296).

۲. ضمایم درخواست شناسایی و اجرا عبارت‌اند از: نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی با ترجمه رسمی و تأیید مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده، رونوشت دستور اجرای حکم از سوی مرجع صالح با ترجمه آن، گواهی نماینده سیاسی

خود کند. براساس ماده ۱۷۴ دادگاه در جلسه‌ای اداری و فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن، قرار قبولی تقاضا و لازم‌الاجرا بودن حکم را صادر می‌کند و دستور اجرا می‌دهد یا با ذکر علل و جهات، رد تقاضا را اعلام می‌دارد.

قرار رد تقاضا مستفاد از ماده ۱۷۵ باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ۱۰ روز از آن تجدید نظر بخواهد که دادگاه تجدید نظر در جلسه‌ای اداری و فوق‌العاده، مطابق ماده ۱۷۶ به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ قرار مزبور، امر به اجرای حکم خارجی خواهد کرد و در غیر این صورت آن قرار را تأیید می‌کند؛ این رأی قابل فرجام نخواهد بود.

در صورت موافقت با درخواست شناسایی و اجرای رأی خارجی، رأی مزبور وارد مرحله اجرا می‌شود و مانند رأیی که در کشور محل درخواست اصدار یافته است، به اجرا گذاشته خواهد شد. بنابر اصول ماکس پلانک و اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، آثار این رأی مطابق قانون کشور مبدأ که رأی در آنجا صادر شده است، اعمال خواهد شد و اثری که ذی‌نفع متقاضی اعمال آن است، باید در محدوده اثر آن رأی در کشور مبدأ باشد (بند ۲ ماده ۴:۱۰۲ اصول ماکس پلانک). بنابراین اثری که این رأی در کشور خارجی دارد، نباید بیشتر از اثر آن در کشور صادرکننده باشد. تفسیر رأی در کشور محل اجرا نیز با توجه به هدف، قلمرو سرزمینی و ماهوی و همچنین اوضاع و احوال موجود صورت می‌پذیرد (بند ۳ ماده ۴:۱۰۲ اصول ماکس پلانک). اما در مواردی اصل حاکمیت قانون محل صدور رأی در تعیین آثار در مقام اجرای رأی مورد عدول قرار می‌گیرد و به تعبیر مندرج در اصول ماکس پلانک و اصول مؤسسه حقوقی آمریکا، قانون کشور محل اجرا ملاک عمل قرار می‌گیرد و موجب ممنوعیت یا محدودیت آثار رأی خارجی می‌شود. عوامل محدودیت علاوه بر نظم عمومی کشور محل اجرا، شامل موارد زیر است: در صورتی که حکم خارجی متضمن جبران‌هایی است که در نظام حقوقی محل اجرا شناخته شده نیست؛ چنانچه رأی خارجی حاصل ممنوعیت‌ها و محرومیت‌های مغایر با حق بر دادرسی عادلانه بوده باشد؛ آثار قرارهای منع یا احکام به‌خصوص در زمینه فضای اینترنت باید در پرتو لزوم احترام به ماهیت سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری محدود شود (قواعد خاص در خصوص قلمرو صلاحیت در اصول ماکس پلانک و نیز قواعد مربوط به شناسایی و اجرای جزئی احکام خارجی مشعر به این موارد است)؛ محدودیت خاص مربوط به احکام خارجی که اعلام‌کننده عدم اعتبار حقوق مالکیت فکری هستند و در نهایت محدودیت مربوط

به تأمین غرامت مناسب در مواردی که لیسانس اجباری داده شده است (ن.ک: ماده ۴۰۴/۳ طرح شفافیت) (Ubertazzi, 2012: 312).

۷. فرجام سخن

تدقیق در مقررات نمونه بین‌المللی، که می‌توانند الهام بخش نظام‌های ملی باشند، این نتیجه را به دست می‌دهد که با توجه به ماهیت دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری، هر رأی خارجی، اعم از حکم، قرار، دستور و اجرائیه، با رعایت اصل تسهیل شناسایی، قابل شناسایی و اجراست، بی‌آنکه قطعیت رأی شرط دانسته شود؛ حتی قسمتی از رأی خارجی و همچنین قرارهای تأمینی و موقتی هم قابلیت شناسایی و اجرا دارند. به‌منظور حمایت هرچه بیشتر از دارندگان حق و جلوگیری از نقض حقوق آنان، فرایند رسیدگی به درخواست شناسایی باید به سرعت و بدون رعایت تشریفات تقدیم دادخواست به عمل آید و تا حد امکان منوط به معامله متقابل نیز نگردد، چراکه اصل بر شناسایی و اجرای آرای خارجی در حوزه نظام مالکیت فکری است، مگر با موانعی همچون عدم رعایت قواعد مربوط به صلاحیت انحصاری و نظم عمومی برخورد شود. همچنین، رعایت اصول دادرسی منصفانه در محاکمه منتهی به رأی خارجی، قابلیت اجرای نوع جبران‌هایی که مورد رأی قرار گرفته و احترام به ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری به‌ویژه در فضای سایبر، باید در نظر گرفته شود. از سویی، اثر رأی خارجی در کشور محل اجرا، نمی‌تواند بیشتر از آنچه در کشور صادرکننده رأی پیش‌بینی شده است باشد و در نهایت اینکه تفسیر رأی در کشور محل اجرا نیز با توجه به هدف، قلمرو سرزمینی و ماهوی و همچنین اوضاع و احوال موجود صورت می‌پذیرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل خصوصی. ج دوم، تهران: میزان.
۲. ام. جی. درینسن (۱۳۸۲). «صلاحیت بین‌المللی، شناسایی و اجرای احکام خارجی در دعاوی مالکیت فکری». ترجمه باقر انصاری، پژوهش‌های حقوقی، سال دوم، ش ۳، بهار تا تابستان.
۳. بختیاروند، مصطفی (۱۳۹۴). «تعارض قوانین در قراردادهای بین‌المللی مالکیت فکری». فصلنامه حقوق خصوصی، دوره ۱۲، ش ۱
۴. جنیدی، لعیا (۱۳۸۷). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. تهران: شهر دانش.
۵. شمس، عبدالله (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی - دوره پیشرفته. ج دوم، ج بیست و پنجم، تهران: دراک.
۶. شهیدی، قاسم (۱۳۹۴). شناسایی و اجرای آرای خارجی در دعاوی مالکیت فکری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، استاد راهنما: دکتر مصطفی فضائلی، پردیس دانشگاهی، دانشگاه قم.
۷. موحدیان، غلامرضا (۱۳۹۲). آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی. ج اول، تهران: انتشارات فکرسازان.

(ب) خارجی

8. The American Law Institute, *International jurisdiction and judgments*, project, -Report, 2000
9. Blakeney, Michael, *Trade related aspects of intellectual property rights: A concise guide to the TRIPS Agreement 128*, London, 1996
10. Blumer, Fritz, *Jurisdiction and recognition in transatlantic patent litigation*, 9 Tex. Intell. Prop. L.J. 329, 2001
11. Chullakesa, Natthapol, "15 Judicial protection of intellectual property rights rendered in foreign forum: A Japanese perspective", *IIP Bulletin*, Vol 21, (2012)
12. Cook, Trevor, "Territoriality and Jurisdiction in EU IP Law", *Journal of Intellectual Property Rights, European IP developments*, Vol 19, (2014)
13. De Miguel Asensio, Pedro Alberto, (2010), "Recognition and Enforcement of Judgments in Intellectual Property Litigation: The CLIP Principles", in Jürgen Basedow, Toshiyuki Kono and Axel Metzger (eds), *Intellectual Property in the Global Arena* (Tübingen, Mohr Siebeck 2010).
14. Driessen, Marieke Germa Tonny, "International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgment in Intellectual Property Cases", March 2001, submitted for the Seminar, *International and Comparative protection of Intellectual Property*, by Professor Jane C. Ginsburg for the degree of Master of Laws, School of Law Columbia University.
15. Engelen, Th.C.J.A. van, *Jurisdiction and applicable law in matters of intellectual property*, *Electronic Journal of comparative law*, Vol. 14.3, (2010)
16. Kono, Toshiyuki & Metzger, Axel, (2010), *Intellectual Property in the Global Arena*, Tübingen Mohr Siebeck
17. Kono, Toshiyuki, Tada, Nozomi & Shin, Miho, (2010), Recognition and Enforcement of Foreign Judgments Relating to IP Rights and Unfair Competition, in Jürgen Basedow.
18. K. R. Miller, Playground Politics: Assessing the wisdom of writing a reciprocity requirement into U.S. International recognition and enforcement law, 35 Geo. J. Int'l L. 239, (2003-2004)
19. Oestreicher, Yoav, (2004), Recognition and Enforcement of Foreign Intellectual Property Judgments: Analysis and Guidelines for a new International Convention, Duke University School of Law
20. P. Barnett, *Res Judicata, Estoppel, and Foreign judgments*, Oxford, 2001
21. Principles for Conflict of Laws in Intellectual Property, prepared by the European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP Principles), 31 August 2011
22. Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights, Joint Proposal Drafted by Members of the Private International Law Association of Korean and Japan (Joint University Global COE Project (the Joint Korean and Japanese Proposal), 14 October 2010
23. R. Beard, Reciprocity and Comity: Politically manipulative tools for protection of intellectual property rights in the global economy, 30 Tex. Tech. L. Rev. 155, 1999
24. Rochelle C. Dreyfuss & Jane C. Ginsburg, *Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgments in Intellectual Property Matters*, 77, Chi.-Kent L. Rev., 1065. (2002). Available At <http://scholarship.kentlaw.iit.edu/cklawreview/vol77/iss3/5>
25. The American Law Institute Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, and Judgements in Transnational Disputes (ALI Principles), 14 May 2007
26. Transparency of Japanese Law Project, Transparency Proposal on Jurisdiction, Choice of Law, Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property (Transparency Proposal), 2009
27. Trimble Landova, Marketa The public policy exception to recognition and enforcement of judgments in cases of copyright infringement, William S. Boyd school of law, 40 IIC 642, (2009)
28. Trimble Landova, Marketa, (2011), When Foreigners Infringe Patents: an Empirical Look at the Involvement of Foreign Defendants in Patent Litigation in the U.S., 27 Santa Clara Computer and High Technology Law Journal 500
29. Ubertazzi, Benedetta, (2012), Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property, a Comparison for the International Law Association. Available at <http://www.jipitec.eu/issues/jipitec-3-3-2012/3521/ubertazzi-recognition.pdf>.